

عنوان مقاله:

استدلال به روش بهترین تبیین به سود وجود حیات پس از مرگ براساس تحلیل قوه ذهن مندنگاری (TOM) در علوم شناختی دین

محل انتشار:

فصلنامه فلسفه دین، دوره 18، شماره 4 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 22

نویسنده:

نعیمه پورمحمدی - استادیار فلسفه دین، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران

خلاصه مقاله:

این مقاله در پی پاسخگویی به این پرسش است که اعتقاد مردم به زندگی پس از مرگ را چگونه می توان براساس علوم شناختی تبیین کرد و آیا چنین تبیینی به سود باور دینی به زندگی پس از مرگ تمام می شود یا خیر. دو «آزمایش موش مرده» و «آزمایش ریچارد قهرمان» برینگ و همکارانش از جمله آزمایش های مهمی است که برای تایید باور انسان به دوگانگی ذهن و بدن و بقای ذهن پس از مرگ بدن ثبت شده است. نظریه «قوه ذهن مندنگاری» (TOM) از نظریاتی است که در علوم شناختی عمومی برای تبیین پاره ای از یادگیری ها و شناخت های انسان مطرح شده است و بعدها دانشمندان علوم شناختی دین از همان برای تبیین باور گسترده انسان به دوگانگی ذهن و بدن و نیز زندگی پس از مرگ استفاده می کنند. در این مقاله ارکانی که نظریه قوه ذهن مندنگاری برای تبیین باور به زندگی پس از مرگ را تشکیل می دهد، استخراج و صورت بندی شده است: «قابلیت ذهن مندنگاری آفالین»، «نیاز به نظارت و قضاوت مردگان»، «محدودیت در شبیه سازی مرگ»، «درک بدن مند و در نتیجه درک مکان مند از مرگ و زندگی پس از مرگ». از دیگر نظریه های علوم شناختی دین که رقیب نظریه قوه ذهن مندنگاری اند نیز یاد شده است؛ همچون «نظریه فرهنگی»، «نظریه ذات گرای»، «نظریه مدیریت وحشت» و «نظریه ترکیبی». دست آخر، براساس این دستاوردهای علوم شناختی دین در تبیین باور دینی به حیات پس از مرگ، «استدلالی به روش بهترین تبیین» یا «استدلال به روش تایید مقایسه ای» اقامه شده است که نشان می دهد احتمال وقوع باور انسان به حیات پس از مرگ با فرض طبیعت گرای، از احتمال وقوع باور انسان به حیات پس از مرگ با فرض فراطبیعت گرای بسیار کمتر است.

کلمات کلیدی:

استدلال به روش بهترین تبیین، استدلال به روش تایید مقایسه ای، زندگی پس از مرگ، علم و دین، علوم شناختی دین، قوه ذهن مندنگاری

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1526115>

